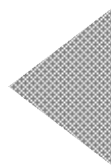


بررسی تاثیر اعتماد اجتماعی بر توسعه با تاکید بر شاخص توسعه انسانی در سال های ۲۰۱۶-۱۹۸۰



سید محمد مستولی زاده^۱

(تاریخ دریافت ۹۸/۴/۹ - تاریخ تصویب ۹۸/۶/۸)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

توسعه انسانی به مفهوم فرآیند گسترش حیطه انتخاب افراد و بهبود رفاه آنها است. شاخص توسعه انسانی میانگین موفقیت‌های بدست آمده کشورها در سه بعد اصلی توسعه انسانی یعنی زندگی طولانی و سالم، دستیابی به دانش و استانداردهای شایسته زندگی را اندازه می‌گیرد. جدا از ابعاد اصلی شاخص توسعه انسانی، متغیر اعتماد اجتماعی به عنوان مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی، ساز و کاری برای ایجاد انسجام و وحدت در نظام‌های اجتماعی، تسهیل مشارکت، تعاون اجتماعی و پرورش ارزش‌های مردم‌سالارانه است که بدون شک می‌تواند بر ابعاد اصلی شاخص توسعه انسانی تاثیر نماید. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که آیا اعتماد اجتماعی بر بهبود شاخص توسعه انسانی اثر گذار است؟

این پژوهش، به بررسی تاثیر اعتماد اجتماعی بر شاخص توسعه انسانی برای ۵۶ کشور شامل کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، کشورهای عضو اوپک (OPEC) و اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (ASEAN) برای سال‌های ۱۹۸۰ الی

۱- استادیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری دانشگاه سمنان mostolizadeh@semnan.ac.ir

۲۰۱۶ می پردازد.

نتایج این پژوهش می‌رساند که اعتماد به طور مثبت با رشد بلند مدت HDI ارتباط معنی دار دارد. همچنین، اثر اعتماد اجتماعی بر توسعه انسانی در کشورهایی که دارای دموکراسی بالاتر می‌باشند ضعیف‌تر است. عدم تاثیر قابل توجه اعتماد اجتماعی در شاخص توسعه انسانی کشورهای دموکراتیک، دلیل بر بی‌تاثیری آن نیست. بلکه این نکته ناشی از نوع تعریف شاخص توسعه انسانی و ابعاد انتخاب شده در این شاخص است.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، توسعه انسانی، شاخص توسعه انسانی، روش حداقل مربعات معمولی

۱- مقدمه

توسعه انسانی عبارت از فرآیند بسط انتخاب‌ها و ظرفیت‌های انسانی است (رانیس^۱ (۲۰۰۴)). شاخص توسعه انسانی شامل سه عنصر یا بعد مهم زندگی اجتماعی-اقتصادی است. این ابعاد عبارتند از: عمر طولانی توأم با سلامتی (امید به زندگی)، دانش و دسترسی به استاندارد زندگی. هر یک از این عناصر بر یکدیگر اثر می‌گذارند و یا تقویت می‌نمایند. به عنوان مثال، آموزش و پرورش از طریق ارتقای تخصص‌ها و مهارت‌های خاص که در فرآیند تولید به آن نیاز است بر توسعه اثر می‌گذارد. تجارب کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی انسانی دارای بازدهی فوق‌العاده‌ای است و بدون توجه به آموزش و پرورش و تغییرات و تحولات کیفی آن نمی‌توان به رشد اقتصادی دست یافت. از سوی دیگر وضع بهداشت فرد و یا گروه با سطح درآمد مرتبط است و بهره‌وری، حلقه‌ی واصل میان این دو است (مارچ^۲ (۱۹۷۹)). بهبود بهداشت به افزایش در بهره‌وری کار منتهی می‌شود. همچنین درآمد سرانه بالاتر باعث پیشرفت تحصیلی و بهبود سلامتی می‌شود. هر یک از این عناصر می‌توانند تاثیر بسزایی در ساختار اقتصادی یک کشور داشته باشند. یک اقتصاد پویا مستلزم داشتن منابع کافی و لازم است. منابع انسانی آگاه و سالم و منابع درآمدی کافی از لازمه‌های رسیدن به رشد اقتصادی است. نیروی

1 -Ranis

2 -March

انسانی آموزش دیده و آگاه در پیشبرد تکنولوژی و بالا رفتن بهره‌وری اهمیت ویژه‌ای دارد. با پیشرفت تکنولوژی و بالا رفتن بهره‌وری نیروی کار، زمینه برای رشد اقتصادی و افزایش سطح مصرف شهروندان نیز فراهم خواهد شد. با افزایش درآمد سرانه و به تبع آن درآمد یک کشور، میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری داخلی نیز افزایش خواهد یافت و در نتیجه کشور به استقلال اقتصادی و خودکفایی خواهد رسید. بنابراین برای رسیدن به اقتصادی پویا توام با رشد سریع، باید به تربیت نیروهای انسانی پرداخت و زمینه را برای افزایش طول عمر توام با سلامتی فراهم کرد.

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. یکی از اصول اولیه زندگی اجتماعی، داشتن اعتماد به یکدیگر است. در سایه اعتماد تعاملات اجتماعی ایجاد گشته و شهروندان به محیط پیرامون خود احساس تعلق پیدا می‌کنند اعتماد اجتماعی پیش‌شرط همکاری و مشارکت اجتماعی شهروندان به شمار می‌رود. به میزانی که اعتماد اجتماعی کاهش یابد، همکاری و مشارکت شهروندان با دیگران و نیز مشارکت اجتماعی آن‌ها نیز تقلیل پیدا می‌کند. اعتماد اجتماعی نه فقط از ویژگی‌های توسعه اجتماعی در جوامع محسوب می‌شود بلکه با متغیرهای دیگر توسعه اجتماعی در تعامل است و زمینه را برای رشد اقتصادی و مشارکت فعالانه میان شهروندان مهیا می‌سازد و در نهایت زمینه‌ساز بهبود روابط انسانی و نیز بهبود ساختار انسانی و در نهایت موجب بهبود شاخص توسعه انسانی می‌گردد.

در راستای پاسخگویی به سوال اصلی تحقیق، بررسی تاثیر اعتماد اجتماعی بر شاخص توسعه انسانی می‌توان بیان داشت که بسیاری از عقب ماندگی‌های اقتصادی در جهان می‌تواند ناشی از فقدان اعتماد متقابل باشد. در حالی که نهادهای رسمی مانند سیستم قضایی، معاملات را در نظریه استاندارد تضمین می‌کنند، آرو^۱ اشاره کرد که اعتماد را می‌توان به عنوان عامل مکمل برای نهادهای قانونی، به ویژه در شرایطی که معاملات غیر قابل پذیرش باشند لحاظ کرد. در این دیدگاه، اعتماد اجتماعی باعث کاهش هزینه‌های معامله می‌گردد. ورود اعتماد اجتماعی در مدل‌های رشد نیمه درون‌زا در مطالعات اقتصاددانانی همچون زاک و ناک^۲ (۲۰۰۱) و

1 -Arrow

2 -Zak and Knack

بیجورنسکوف^۱ (۲۰۰۹) گواه این است که اعتماد باعث کاهش هزینه‌های مرتبط با معامله‌گران سرمایه‌گذاری یا کارمندان با مهارت بالقوه شده و در نتیجه تقاضا برای سرمایه‌گذاری و آموزش نیروی کار را کاهش می‌دهد. با احتساب اثرات اعتماد اجتماعی در متغیرهای اقتصادی و اجتماعی همچون درآمد سرانه، آموزش، بهداشت و ...، نیاز به مطالعه‌ای که بتواند تاثیر اعتماد اجتماعی را بر یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه یعنی شاخص توسعه انسانی مورد بررسی قرار دهد، احساس می‌گردد.

این مقاله در تلاش است تا رابطه میان اعتماد اجتماعی و شاخص توسعه انسانی برای یک نمونه ۵۶ کشوری شامل کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲ (OECD)، کشورهای عضو اوپک^۳ (OPEC) و اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا^۴ (ASEAN) در یک دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۶ مورد بررسی قرار دهد. همچنین فرض وابستگی این ارتباط با سطح توسعه سیاسی نیز مورد آزمون واقع می‌گردد.

این مقاله در بخش دوم با بیان مبانی نظری تحقیق به معرفی مفاهیم توسعه انسانی، شاخص توسعه انسانی، اعتماد اجتماعی و رابطه آن‌ها می‌پردازد. در بخش سوم پیشینه تجربی پژوهش ارائه شده است. در بخش چهارم، روش‌شناسی و روش برآورد تحقیق بیان گشته است. در بخش پنجم، برآورد پژوهش و جداول مرتبط با آن آورده شده است. در بخش ششم، خلاصه و نتیجه‌گیری پژوهش و در نهایت در بخش هفتم، منابع مورد استفاده داخلی و خارجی بیان گشته است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- توسعه انسانی^۵

در دهه‌های گذشته تحولات عمیقی در درک توسعه بوجود آمده است. تا قبل از دهه‌ی ۱۹۷۰ توسعه‌ی اقتصادی بر حسب درآمد سرانه با این پیش فرض که با بالا رفتن درآمد سرانه وضع مردم در تمام جوانب بهبود خواهد یافت ارزیابی می‌شد. با چنین شاخصی از توسعه، رشد اقتصادی به عنوان محور اساسی توسعه در نظر گرفته شد. ایراد اساسی این دیدگاه، عدم توجه به

1 -Bjornskov

2 -Organisation for Economic Co-operation and Development

3 -Organisation des pays exportateurs de pétrole

4 -Association of Southeast Asian Nations

5 -Human Development Index(HDI)

مفهوم عدالت در داشتن فرصت‌های واقعی فردی است. توجه تنها بر درآمد در سطوح فردی و انبوه، عوامل مختلفی را که منجر به ایجاد تفاوت در فرصت‌های واقعی افراد می‌شود را نادیده می‌گیرد و فرض می‌کند که درآمد باعث افزایش رفاه می‌شود (آناند و سن^۱ (۲۰۰۰)). با توجه به این نواقص رویکرد درآمد، متفکرین توسعه درصدد معرفی یک شاخص اجتماعی و اقتصادی برآمدند. مفاهیمی چون نیازهای اساسی که در جهت توسعه انسانی بودند. هسته اصلی بحث‌ها، سیاست‌های توسعه شدند و به این ترتیب مفهوم توسعه انسانی معرفی شد (نوربخش (۱۹۹۸)).

۲-۱-۱- شاخص توسعه انسانی

هیچ اجماع واقعی در مورد چگونگی اندازه‌گیری توسعه انسانی و اینکه تا چه اندازه می‌توان آن را از توسعه صرفاً اقتصادی جدا کرد، وجود ندارد. مفهوم توسعه به مراتب جامع‌تر از توسعه اقتصادی بوده به طوری که توسعه علاوه بر ابعاد اقتصادی، ابعاد اجتماعی همچون کاهش فقر، آموزش بهتر، بهبود شرایط بهداشتی و ... را نیز در بر می‌گیرد (کادارو و پارتز^۲، ۲۰۰۵). شاخص توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ به عنوان مقیاس جدیدی از توسعه معرفی شد. ادبیات مورد استفاده در شاخص توسعه انسانی، مطابق با برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) و بر مبنای ایدئولوژی مورد استفاده کار سن (۱۹۸۲) است. این شاخص مبتنی بر این ایده اساسی است که لازمه‌ی دستیابی به زندگی بهتر علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. شاخص توسعه انسانی درصدد اندازه‌گیری متوسط دستیابی در یک کشور در سه بعد اساسی توسعه انسانی است. این ابعاد عبارتند از زندگی طولانی توأم با سلامتی، دانش، استاندارد شایسته‌ی زندگی. هر یک از این ابعاد می‌توانند میزان رفاه یک جامعه را در زندگی اجتماعی - اقتصادی توضیح دهد. برای اندازه‌گیری هر یک از این ابعاد شاخص‌هایی به صورت ذیل معرفی شده است:

الف) زندگی طولانی توأم با سلامتی، که با معیار امید به زندگی در بدو تولد اندازه‌گیری می‌شود. ب) دانش، که به وسیله‌ی نرخ سواد بزرگسالان (با وزن دو سوم) و نسبت ترکیبی ثبت‌نام ناخالص در دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه (با وزن یک سوم) محاسبه می‌شود.

ج) استاندارد شایسته زندگی، که از طریق تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه (بر حسب برابری

1 -Anand & Sen

2 -Kaldaru and Parts

قدرت خرید دلار آمریکا) محاسبه می‌شود.

این شاخص به مانند سایر شاخص‌ها، دارای مزیت‌ها و نقدهایی می‌باشد. طرفداران این شاخص استدلال می‌کنند که HDI یک معیار جامع‌تر توسعه را فراهم می‌کند، زیرا اطلاعات مربوط به سلامت، آموزش و پرورش و تولید ناخالص داخلی را در بر دارد. علاوه بر این، مزیت دیگر آن این است که تولید ناخالص داخلی سرانه با لگاریتم آن وارد می‌شود، که منعکس‌کننده فرض استاندارد کاهش بهره‌وری نهایی به درآمد است.

با وجودی که HDI به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، با این وجود با نقد شدیدی روبرو شده و بسیاری از محققان عنوان می‌نمایند که رشد و توسعه اقتصادی با توسعه انسانی برابر فرض شده است. استدلال اصلی این شاخص جهت پاسخ به نقد فوق این است که سایر اقدامات نظیر آموزش و پرورش، بهداشت و حفاظت از محیط زیست، احتمالاً به دنبال پیشرفت اقتصادی بیشتر بروز می‌نمایند. به همین ترتیب، معیارهای دیگر توسعه دارای یک علت مشترک - توسعه اقتصادی - بوده که به سادگی با معیار GDP سرانه و نرخ رشد آن، همه تغییرات مربوطه را پوشش می‌دهد. مک گیلوری^۱ (۱۹۹۱) در یکی از نخستین انتقادات از HDI، بیان نمود که این شاخص به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه ترکیبی بین‌المللی، اطلاعات بیشتری نسبت به داده GDP بین بخشی ارائه نمی‌نماید. کاهیل^۲ (۲۰۰۵) ارزش افزوده HDI را در مقایسه با قدرت خرید تعدیل شده GDP سرانه ارزیابی می‌کند. او نتیجه می‌گیرد که حتی تغییراتی که در طرح وزن دهی HDI انجام می‌دهند، امتیاز یا رتبه‌بندی متفاوت معناداری را نسبت به استفاده از قدرت خرید تعدیل شده GDP سرانه ایجاد نمی‌نمایند. در این دیدگاه، اضافه کردن شاخص‌هایی مانند تحصیلات و امید به زندگی که شدیداً با GDP سرانه همبستگی دارند، هیچ اطلاعات اضافی را نمی‌دهد، بلکه فقط اضافه کاری آماری است، چرا که عوامل اضافه شده، خود از GDP ناشی شده‌اند. کاپلان^۳ (۲۰۰۹) انتقاد دیگری را مطرح نموده و بیان می‌کند که این شاخص از لحاظ ایدئولوژیکی دچار انحراف است. اول از همه، این شاخص از مقادیر نامرتب ساخته شده است چرا که شامل نرخ ثبت نام مدارس می‌باشد. این به معنای این است که برای به

1 -McGillivray

2 -Cahill

3 -Caplan

حداکثر رساندن نمره تحصیلی، باید ۱۰۰ درصد از جمعیت خود را به دانش آموزان تبدیل کنید. او همچنین به انحراف بوجود آمده در کشورهای توسعه یافته تاکید می‌کند: "از آنجا که کشورهای ثروتمند به حد بالایی شاخص نزدیک هستند، HDI به طور موثری فرآیندهای آینده کمتری را در این بعد تعریف می‌نماید. این منجر به انحراف ایدئولوژیک شده که عبارت است از: با توجه به اینکه کشورهای ثروتمند دارای GDP بالاتری هستند عموماً دارای آموزش‌های ثانویه و اضافی برای مردم کشور خود هستند که توسط دولت تامین مالی می‌شود، پس عموماً دارای جمعیت دارای آموزش (تحصیلات) بالاتری بوده و نمره بالاتری را کسب می‌نمایند. علیرغم نقد آماری و ایدئولوژیکی، HDI همچنان به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد و سازمان ملل متحد نیز سالیانه با انتشار گزارش توسعه انسانی، شاخص توسعه انسانی تمام کشورها را محاسبه و آن‌ها را بر اساس این شاخص رتبه‌بندی می‌کند.

۲-۲- اعتماد اجتماعی

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی در میان افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی است و در جریان تعاملات اجتماعی و کنش‌های متقابل بین افراد و گروه‌های اجتماعی، نقش مهمی را در ایجاد نظم و همبستگی اجتماعی و نیز حفظ آن‌ها بر عهده دارد. در عین حال، اعتماد اجتماعی، از عناصر مهم در پذیرش و همدلی اجتماعی محسوب می‌شود و در عین حال، بستر ساز تعاملات اجتماعی و کانون مفهوم سرمایه اجتماعی است. از نظر زتومکا (۱۳۸۴)، فرهنگ اعتماد، بیش از هر نظام سیاسی دیگر، در نظام دموکراتیک محقق می‌گردد. در بحث مفهوم اعتماد به طور کلی از سه رویکرد می‌توان استفاده نمود: رویکرد خرد، رویکرد کلان و رویکرد تلفیقی.

براساس دیدگاه‌های سطح خرد، اعتماد یک ویژگی یا خصوصیت فردی است و بنابراین با ویژگی‌ها و رفتارهای فردی ارتباط دارد، پس با توجه به این خصوصیات، می‌توان میزان اعتماد را سنجید. ولی بر طبق رویکرد کلان، اعتماد اجتماعی نه یک خصوصیت فردی، بلکه ویژگی نظام اجتماعی تلقی می‌شود. مطابق با دیدگاه‌های سطح کلان، اعتماد فقط جزئی از شخصیت افراد به شمار می‌رود، بنابراین، اعتماد افراد به دیگران، بیشتر به ارزیابی آنان از قابل اعتماد بودن محیط اطرافشان برمی‌گردد تا به شخصیت و تمایلات فردی آنان. بر این اساس، افرادی که در

جامعه‌ای زندگی می‌کنند که نظام اجتماعی آن از ثبات بالایی برخوردار است و هنجارها و قواعد اجتماعی از سوی دیگران رعایت می‌شود، از اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردارند (عبدالملکی (۱۳۸۷)). در نهایت رویکرد سوم، با تلفیق سطح خرد و کلان، تلاش می‌کند که ابعاد مختلف اعتماد را مورد بررسی قرار دهد و با در نظر گرفتن عوامل سطح خرد و سطح کلان در کنار یکدیگر، تبیین کامل تری از مسئله ارائه دهد.

اریکسون^۱ از نظریه پردازانی است که در حوزه روانشناسی و با نگاهی خردنگر به بحث در پیرامون شکل‌گیری اعتماد می‌پردازد. او مفهوم اعتماد بنیادی^۲ را مطرح کرده و معتقد است که اعتماد در سال‌های اولیه رشد و متاثر از پیرامون فرد شکل می‌گیرد. یعنی اعتماد در سطح وسیع در جامعه در درجه‌ی اول به نحوه رشد و شکل‌گیری شخصیت تک تک اعضای جامعه در آغاز دوران کودکی برمی‌گردد (گلابی (۱۳۸۳)). از نظر اریکسون، اعتماد از همان آغاز بر نوعی تجربه دوسویه دلالت می‌کند. رفتار عجیب و غریب و کناره‌گیری، نمایش‌گر کوشش‌هایی است برای تطبیق با یک محیط دشمنانه که در آن احساس قابلیت اعتماد درونی، اعتمادناپذیری جهان خارجی را بازتاب می‌کند (گیدنز (۱۳۸۰)).

نظریه پردازان مبادله، اعتماد بین شخصی را مطرح می‌کنند که شکل دیگری از اعتماد است و در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد. در این نوع اعتماد، حداقل دو نفر حضور دارند، فرد اعتمادکننده و فرد مورد اعتماد. اعتماد بین شخصی، موانع ارتباطی را از میان برداشته و با کاستن از حالت دفاعی، بسیاری از تعاملات مهم را ممکن می‌سازد. روابط شخصی در ایجاد اعتماد بین شخصی نقش اساسی دارد. به عبارت دیگر، اعتماد بین شخصی در روابط و تعاملات معنا پیدا می‌کند، توسعه یافته و تقویت می‌شود (عباس‌زاده (۱۳۸۲)). اعتماد تعمیم‌یافته نوع سوم اعتماد است که در آن، اعتماد به افرادی که با هم تعامل دارند و روابط چهره به چهره برقرار می‌سازند، محدود نمی‌شود، بکه این نوع از اعتماد، مرزهای خانوادگی، قومی و محلی را در می‌نوردد و در سطح ملی گسترش می‌یابد. اعتماد تعمیم یافته، پدیده‌ی نسبتاً جدیدی است که با پیدایش دولت‌های مدرن مطرح می‌شود و لازمه‌ی آن همکاری و مشارکت میلیون‌ها شهروندی است که در جوامع مدرن امروزی زندگی می‌کنند (گلابی (۱۳۸۳)).

1 -Ericson

2 -Basic trust

فوکویاما^۱، با نوعی رویکرد اقتصادی به مساله اعتماد می‌پردازد. وی معتقد است که تمام تلاش‌های اقتصادی اعم از اداره کردن یک مغازه کوچک تا ایجاد یک شرکت عظیم کامپیوتری نه به وسیله افراد، بلکه به وسیله‌ی تشکیلاتی صورت می‌گیرد که لازمی آن وجود میزان زیادی از همکاری‌های اجتماعی است. به نظر اقتصاددانان، توانایی سازماندهی تشکیلات اقتصادی نه تنها بر نهادهایی چون حقوق تجاری، قرار دارد، بلکه مستلزم مجموعه قوانین و اصول اخلاق نانوشته‌ای است که اساس اعتماد اجتماعی را تشکیل می‌دهد. وجود اعتماد در بین اعضای یک تشکیلات اقتصادی به میزان زیادی می‌تواند هزینه آن را کاهش و کارایی و موفقیت آن را افزایش دهد. به اعتقاد فوکویاما، هر چه یک گروه اجتماعی دارای شعاع اعتماد بالاتری باشد، سرمایه اجتماعی بیشتری نیز خواهد داشت. شعاع اعتماد در فرهنگ‌های مختلف به گونه‌های متفاوتی مشاهده می‌شود (فوکویاما، ۱۳۷۹).

بنابراین، روش استاندارد برای سنجش اعتماد اجتماعی به وسیله سهم پاسخ‌دهندگان در هر کشور به پرسش «به طور کلی فکر می‌کنید اکثر مردم را می‌توان مورد اعتماد قرار داد؟» وجود دارد و شواهد تجربی اخیر نشان می‌دهد که این نوع سوال تعیین‌کننده خوبی برای رفتار واقعی کالاهای عمومی است، حداقل زمانی که تعداد افراد به اندازه کافی بالا باشد (ساپینزا^۲ و همکاران، ۲۰۰۷؛ کاپرا^۳ و هماران، ۲۰۰۹). همچنین ثابت شده است که این یک معیار مناسب و قوی برای اندازه‌گیری اعتماد اجتماعی بوده در زمانی که در سطح ملی باشد. در بستر تعاملات و کنش‌های گروهی، اعتماد به منزله یک مکانیسم اجتماعی با کارکردهای متعدد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روانشناسی خود، نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کند. در واقع زندگی انسان، بدون احساس اعتماد به خود، اعتماد به آینده و اعتماد به جهان پیرامون خود همراه با اضطراب و کشمکش تحمل‌ناپذیری است که ممکن است باعث از هم‌پاشیدگی فرد و نابودی وی شود. اعتماد رشد انسان و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های او را تسهیل می‌کند و رابطه‌ی او با دیگران و جهان را به رابطه‌ای خلاق و شکوفا تبدیل می‌سازد تا فرد بتواند آرامش، امنیت و آزادی و استقلال را در کنار دیگران و با دیگران تجربه کند (پاتنام، ۱۹۹۳). اعتماد اجتماعی بر

1 -Fukuyama

2 -Sapienza

3 -Capra

روی رشد شتابان اقتصادی، افزایش بازده و رونق اقتصادی، فراهم کردن سود عمومی، ایجاد همبستگی اجتماعی و همکاری، هماهنگی، رضایت از سطح زندگی، ثبات دموکراسی و توسعه و حتی تندرستی و افزایش امید به زندگی اثرگذار است (نیوتون^۱، ۲۰۰۲).

۲-۳- ارتباط اعتماد اجتماعی و توسعه انسانی

در مسیر اصلی تئوری‌های رشد که بین دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۸۰ شکل گرفت، عوامل اجتماعی به طور کلی نادیده گرفته شدند. تئوری رشد نئوکلاسیک، که با مطالعات سولو^۲ (۱۹۵۶) و سوان^۳ (۱۹۵۶) شروع شد، به سرمایه‌ی فیزیکی، کار و درک وسیع فناوری به عنوان عامل اصلی رشد اقتصادی اهمیت داده و به هیچ وجه برای تعاملات اجتماعی اهمیتی قائل نشد. ظهور علاقه به تئوری‌های رشد در اواخر دهه ۱۹۸۰ پس از پیشرفت در مدل‌های رشد درون‌زا و تحولات عمده در اقتصاد نهادی شروع گشت. با توجه به نقش پررنگ آموزش و مؤسسات اقتصادی-قضایی، عوامل اجتماعی و کیفیت نهادهای غیررسمی دوباره به بخش‌هایی از نظریه رشد تبدیل گشته و به عنوان یک فاکتور یا عامل مثبت مرتبط با عوامل دیگر از رشد مطرح شدند. مطالعاتی وجود دارند که اهمیت این عوامل را تایید می‌نمایند.

ورود نقش اعتماد اجتماعی در نظریه‌های رشد اقتصادی با مطالعات در اوایل دهه ۱۹۹۰ هم‌زمان بود. هیوم^۴، اسمیت^۵ و وبر^۶ از نهادهای غیررسمی در تفکرات خود استفاده کردند. در زمانی زودتر از ظهور نظریه‌های رشد درون‌زا، برنده جایزه نوبل اقتصاد، آرو^۷ (۱۹۷۲)، بیان داشت که: قطعاً در هر معامله تجاری که در طی یک دوره زمانی انجام می‌شود، عنصری از اعتماد وجود دارد. این می‌تواند اینگونه استدلال شود که بسیاری از عقب ماندگی‌های اقتصادی در جهان می‌تواند ناشی از فقدان اعتماد متقابل باشد. در حالی که نهادهای رسمی مانند سیستم قضایی، معاملات را در نظریه استاندارد تضمین می‌کنند، آرو اشاره کرد که اعتماد را می‌توان به عنوان عامل مکمل برای نهادهای قانونی، به ویژه در شرایطی که معاملات غیر قابل پذیرش باشند لحاظ

1 -Newton

2 -Solow

3 -Swan

4 -Hume

5 -Smith

6 -Weber

کرد. در این دیدگاه، اعتماد اجتماعی باعث کاهش هزینه‌های معامله می‌گردد. لوهمن^۱ (۱۹۷۹) بیان می‌دارد که اعتماد مکانیسم‌هایی را فراهم می‌کند که پیچیدگی جامعه را کاهش می‌دهد. زاک و ناک^۲ (۲۰۰۱) و بیجورنسکوف^۳ (۲۰۰۹) هر دو اثر اعتماد در مدل‌های رشد نیمه درون‌زا را مورد بررسی قرار داده که چگونه اعتماد باعث کاهش هزینه‌های مرتبط با معامله‌گران سرمایه‌گذاری یا کارمندان با مهارت بالقوه شده و در نتیجه تقاضا برای سرمایه‌گذاری و آموزش نیروی کار را کاهش می‌دهد. بویکس و پوسنر^۴ (۱۹۹۸) و ناک^۵ (۲۰۰۲) مکانیزمی را مطرح نمودند که سیاست‌های عمومی مبتنی بر انتظارات رای‌دهندگان باشد. آن‌ها با ایده گرفتن از پاتنام^۵ (۱۹۹۳)، معتقدند رای‌دهندگان با اعتماد بیشتر، سیاست‌مدارانی که استانداردهای صداقت و شرافت انسانی را رعایت نکنند را با شدت بیشتری مجازات می‌نمایند. این معیار اخلاقی در اعتماد اجتماعی افزایش می‌یابد، زیرا رای‌دهندگان به طور کلی معتقدند زمانی که سیاست‌مداران قابل اعتماد رفتار نمایند پس در نتیجه دیگر افراد جامعه مورد اعتماد می‌باشند. این موضوع قدرت اختیاری سیاست‌مداران و درجه انحراف آن‌ها از انتظارات مردم را محدود می‌نماید. این مکانیزم هم در کشورهای دموکراتیک و هم غیر دموکراتیک عمل می‌نماید. در چنین کشورهایی، نظام هر کشوری دارای انگیزه‌های آشکار برای حفظ رضایت اکثریت جمعیت داشته که در اکثر موارد نظام هر کشور بهداشت، آموزش و نقش مناسب و معقولی را فراهم می‌نماید (وینتروب^۶، ۱۹۹۸).

به همین ترتیب، راه‌هایی وجود دارد که اعتماد می‌تواند بر تولید کالاهای پیچیده که شامل بسیاری از کالاهای عمومی مرتبط با توسعه انسانی اثرگذار باشد. اعتماد ممکن است بر تمایل سیاست‌مداران برای سرمایه‌گذاری و تحویل چنین کالاهایی به عموم مردم تاثیر بگذارد. باید توجه داشت که برخی از این اثرات ممکن است در همه کشورها و نظام‌های مختلف ایجاد نشود. مجرای تقاضای آموزش در کشورهایی با ساختار ساده تولید همانند کشورهای نسبتاً فقیر، متفاوت بوده، در حالی که تأثیر اعتماد بر تولید آموزش در همه کشورها افزایشی بوده است.

اعتماد اجتماعی به عنوان یک مکانیسم، یک معیار اخلاقی را فراهم می‌کند که به منظور ارزیابی

1 -Luhman

2 -Zak and Knack

3 -Bjornskov

4 -Boix and Posner

5 -Putnam

6 -Wintrobe

اعتماد و مسئولیت سیاستمداران به کار می‌رود، و به نظر می‌رسد یک کانال انتقالی را حاصل نموده که بیشتر در دموکراسی‌ها مصداق دارد. با این حال، توجه داشته باشید که سیاستمداران در نظام‌های غیردموکراسی، فراهم آوردن کالاهای عمومی را در دستور کار دارند- بخصوص مراقبت‌های بهداشتی، آموزش، نظم و قانون- تا از این طریق توجه رای‌دهندگان با اعتماد بالا را از تقاضای دموکراسی منحرف نمایند که این موضوع در حکومت‌های استبدادی شدت بیشتری می‌یابد.

۳- پیشینه تجربی پژوهش

اگرچه ادبیات اعتماد منتشر شده، مستقیماً مطالعه ارتباط بین اعتماد اجتماعی و توسعه انسانی را شامل نمی‌شود، اما مطالعاتی در حوزه این موضوع، این ارتباط را تایید می‌نماید. خلاصه‌ای از مطالعات داخلی و خارجی در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱) - مطالعات داخلی و خارجی

مطالعات داخلی			
محقق	موضوع تحقیق	سال	یافته های تحقیق
فیروزآبادی و ایمانی جاجرمی	سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی-اجتماعی در کلان شهر تهران	۱۳۸۵	سرمایه اجتماعی مناطق رابطه مثبتی با توسعه مناطق شهری در تهران دارد و مناطق توسعه‌یافته‌تر از میزان بیشتری از اعتماد عمومی، آگاهی، مشارکت رسمی و مشارکت‌های غیر رسمی همیارانه برخوردارند.
صادقی و همکاران	توسعه انسانی در ایران	۱۳۸۶	علیرغم بهبود توسعه انسانی در ایران، به دلیل برخورداری یکسان استان‌ها از امکانات آموزشی، بهداشتی و درآمدی، اختلاف شاخص توسعه انسانی در سطح استان‌ها بسیار زیاد است.
هزار جریبی و نجفی‌ملک	تاثیر اعتماد اجتماعی بر توسعه گردشگری	۱۳۸۹	هر چه میزان اعتماد گردشگران نسبت به مردم ایران بالا رود، تمایل گردشگران به سفر مجدد به ایران نیز افزایش می‌یابد و توسعه گردشگری می‌تواند موجبات توسعه اقتصادی را فراهم آورد.
رنانی و موبدفر	سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی	۱۳۹۳	اعتماد عام از شدت اثر بیشتری با درجه معنادار بالاتری نسبت به شاخص عام برخوردار است. همچنین تفکیک شاخص اعتماد به سه گروه مراجع قانونی، اجتماعی و اقتصادی تفاوت معنادار گروه‌ها را در توجه تغییرات رشد اقتصادی در میان استان‌ها نشان داد.
ظهیری و پوررضا کریم‌سرا	بررسی اعتماد اجتماعی و رابطه بین ابعاد آن در بین جوانانی تهرانی	۱۳۹۳	بین ابعاد اعتماد اجتماعی با یکدیگر رابطه معناداری وجود دارد و شدت این رابطه در حد بالایی است.
مهرگان و دلیری	بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی در استان‌های ایران	۱۳۹۴	سرمایه اجتماعی دارای اثرات مثبتی بر توسعه انسانی در استان‌های ایران بوده و از سوی دیگر، توسعه انسانی نیز سبب خواهد شد تا لایه‌های سرمایه اجتماعی در استان‌ها شکل گرفته و تقویت شود.
میرفردی و احمدی	بررسی میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین	۱۳۹۵	افزایش یا کاهش میزان قانون‌گریزی افراد، هیچ تغییری در میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی ایجاد نمی‌کند.

مطالعات داخلی			
محقق	موضوع تحقیق	سال	یافته های تحقیق
	شخصی و روابط آن با میزان قانون‌گریزی		
اسدی فرد و همکاران	بررسی رابطه اعتماد اجتماعی با میزان کج‌روی فرهنگی	۱۳۹۶	رابطه بین اعتماد و کج‌روی فرهنگی معنادار و معکوس است.
ارسیا و همکاران	ارائه مدل اثرگذار هویت اعتماد اجتماعی بر نگرش به توسعه سیاسی	۱۳۹۸	هویت اجتماعی و تمامی ابعاد چهارگانه ی آن و هم‌چنین اعتماد اجتماعی و تمامی ابعاد یازده‌گانه‌ی آن بر روی نگرش شهروندان تهرانی به نگرش به توسعه‌ی سیاسی و ابعاد سه‌گانه‌ی آن تاثیر مثبت دارند. اما هویت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و نگرش شهروندان تهرانی به توسعه‌ی سیاسی در سطح مطلوبی نیست.
مطالعات خارجی			
محقق	موضوع تحقیق	سال	یافته های تحقیق
پاتام	عملکرد دموکراسی و ساخت سنت‌های مدنی در ایتالیا	۱۹۹۳	پاتام (۱۹۹۳) پیشنهاد می‌کند که تفاوت‌های اقتصادی بین شمال و جنوب ایتالیا عمدتاً به دلیل تفاوت‌های سرمایه اجتماعی مانند اعتماد است.
ناک و کیفر	رابطه سرمایه اجتماعی و بازخورد اقتصادی	۱۹۹۷	سرمایه اجتماعی یک عامل تعیین‌کننده برای رشد بلندمدت است. یافته‌های آن‌ها در نمونه‌های بزرگتر مورد تایید قرار گرفته شده و به مرحله آزمون نیز گذارده شده است.
زاک و ناک	اعتماد و رشد اقتصادی	۲۰۰۱	اعتماد یک عامل تعیین‌کننده و قوی برای رشد اقتصادی است.
کریستوفورو	ارتباط سرمایه اجتماعی، رشد اقتصادی و توسعه انسانی	۲۰۰۶	کشورهایی با سطوح بالایی از سرمایه اجتماعی به سطوح بالایی از توسعه انسانی میل می‌کند. در این مطالعه او دریافت که ارتباط توسعه انسانی با عضویت در گروه، قوی‌تر از اعتماد اجتماعی و هنجارهای مدنی است.
یچورنسکوف	ارتباط اعتماد اجتماعی و رشد آموزش مدارس	۲۰۰۹	زمانی که اقتصاد تا حدودی به پیچیدگی‌های تکنولوژیکی دست یافت، موضوع اعتماد در جوامع نسبتاً فقیر اهمیت پیدا می‌کند.
ماتسوکاوا و تاتسوکی	پیشگیری از جرم از طریق توانمندسازی جامعه	۲۰۱۸	سرمایه اجتماعی تاثیر زیادی بر کاهش جرایم خیابانی دارد و ترس از جرم و جنایت را کاهش می‌دهد.

نوآوری این پژوهش در این است که تاکنون مطالعه‌ای در خصوص تاثیر اعتماد اجتماعی بر شاخص توسعه انسانی با در نظر گرفتن شرایط حکومتی، جغرافیایی و مذهبی برای این طیف گسترده از کشورها صورت نگرفته است.

۴- روش‌شناسی پژوهش

در این بخش، مدل تاثیر اعتماد اجتماعی بر شاخص توسعه انسانی ارائه می‌گردد. نمونه در نظر گرفته شده جهت این مطالعه شامل ۵۶ کشور شامل کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، کشورهای عضو اوپک (OPEC) و اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (ASEAN) برای سال‌های ۱۹۸۰ الی ۲۰۱۶ انتخاب شده است. جهت رسیدن به هدف بررسی تاثیر اعتماد اجتماعی بر شاخص توسعه انسانی، معادله ذیل برآورد می‌گردد:

$$\Delta HDI = \alpha + \beta_1 HDI_{1980} + \beta_2 Ln \ Trust + \gamma X + \varepsilon \quad (1)$$

در این معادله، متغیر وابسته، نرخ رشد بلندمدت شاخص توسعه انسانی است، X یک بردار از متغیرهای کنترلی بالقوه که در ادامه توضیح داده می‌شود، α جزء ثابت و β_1 ضریب متغیر HDI برای سال ۱۹۸۰ (به دلیل اینکه کشورهای کمونیستی یک روند توسعه متفاوت را دنبال نموده، دارای ارزش اولیه متفاوتی برای HDI در سال ۱۹۸۰ می‌باشند) و β_2 ضریب متغیر اعتماد اجتماعی را نشان داده و ε جزء خطا می‌باشد.

به دلیل ماهیت ترکیبی HDI نمی‌توان متغیرهای کنترلی را که مستقیماً مربوط به تولید ناخالص داخلی، سلامت یا سرمایه انسانی هستند را انتخاب نمود. متغیرهای کنترلی استفاده شده در مدل تحقیق عبارتند از:

۱. یک متغیر مجازی (دامی) را برای کشورهای کمونیستی که یک روند توسعه متفاوت را دنبال نموده و دارای ارزش اولیه متفاوتی برای HDI در سال ۱۹۸۰ قائل بودند به مدل افزوده می‌شود. با توجه به این که این مقادیر به میزان زیادی بر اساس آمار رسمی رژیم‌های کمونیستی است، این عمل ممکن است برخی از خطاهای اندازه‌گیری را برطرف نماید.
۲. به پیروی از ادبیات اعتماد، متغیری با عنوان سهم جمعیت متعلق به مذاهب پروتستان، کاتولیک، ارتدوکس مسیحی، مسلمان یا بودایی / هندو در نظر گرفته می‌شود (برگرن و جوردال (۲۰۰۶) و بیجورنسکوف (۲۰۰۷)).

۳. طول جغرافیایی کشور به منظور تعیین عوامل تعیین کننده زیست محیطی توسعه، به مدل افزوده می شود (گندلاچ و پالدام^۱ (۲۰۰۹) و پالدام و گندلاچ (۲۰۰۸)).

۴. یک عنصر مهم در توسعه انسانی، آزادی های مثبت است که به طور قابل توجهی رفتار دولت را تحت تأثیر قرار می دهد، بنابراین، یکی از دو شاخص استاندارد دموکراسی از شیوب و همکاران (۲۰۱۰) را افزوده نموده و متعاقباً اثر آن بر اعتماد برای یافتن اثرات ناهمگون مورد بررسی قرار می گیرد.

اعداد استخراج شده برای متغیر اعتماد اجتماعی مطابق با مقاله اسلانر^۲ (۲۰۰۲) حاصل شده است. ابعاد متغیر اعتماد اجتماعی در این مقاله عبارتند از:

۱) بعد درآمدی (درآمد سرانه)

۲) بعد قومی-نژادی

۳) بعد فرهنگ

۴) بعد دین و مذهب

۵) بعد امور خیریه

۶) بعد امور داوطلبانه

۷) بعد کودکان

همچنین در استخراج مقادیر متناسب به اعتماد اجتماعی از گزارش اعتماد و اندازه گیری آن مربوط به سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۱۸) استفاده گردیده است.

شاخص توسعه انسانی و نیز سایر متغیرهای کنترلی معرفی شده در مدل تحقیق از پایگاه داده بانک جهانی مستخرج شده است.

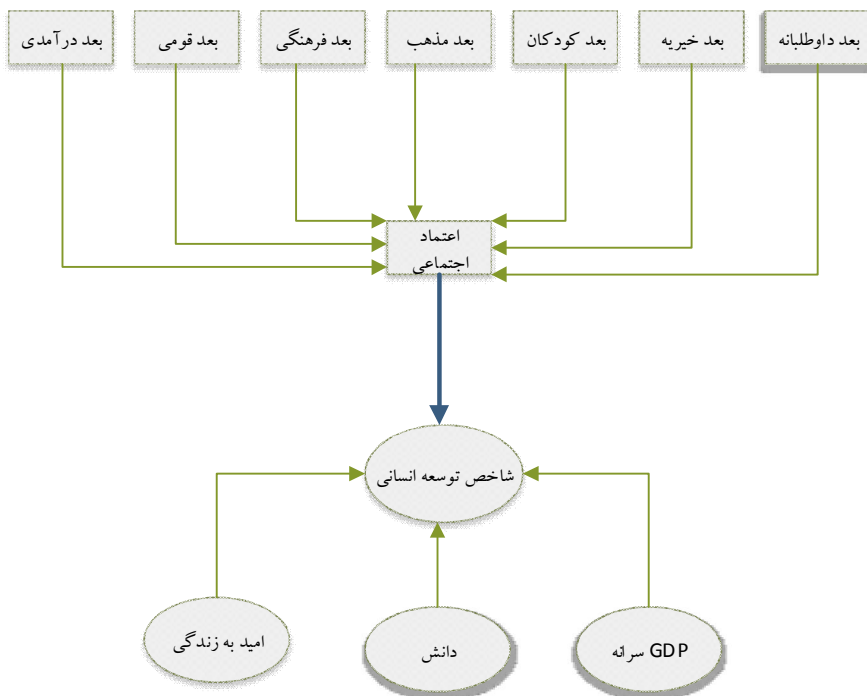
برای هر کدام از داده های شاخص توسعه انسانی و اعداد نسبت داده شده اعتماد اجتماعی مستخرج شده از مطالعه اسلانر و گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و نیز سایر متغیرهای کنترلی معرفی شده در مدل تحقیق، میانگین داده های مذکور از سال ۱۹۸۰ الی ۲۰۱۶ گرفته شده است.

1 -Gundlach and Paldam

2 -Uslaner

در نهایت مدل مفهومی پژوهش به صورت نمودار (۱) است:

نمودار (۱) - مدل مفهومی پژوهش



۴-۱- روش برآورد پژوهش

برای مدل‌های رگرسیون خطی، روش حداقل مربعات معمولی ساده‌ترین و مرسوم‌ترین روش است. طرح اولیه این روش را که با OLS نشان داده می‌شود کارل فریدریش گوس^۱ ریاضیدان معروف آلمانی در قرن هجدهم مطرح کرده است. زیربنای فکری روش حداقل مربعات معمولی این است که ضرایب مدل، مقادیری اختیار کنند که مدل رگرسیون نمونه،

1 -Johann Carl Friedrich Gauss

بیشترین نزدیکی را به مشاهدات داشته باشد. به عبارت دیگر کمترین انحراف را از مشاهدات فوق نشان دهد.

معیار روش حداقل مربعات معمولی این است که ضرایب را باید چنان تخمین زد که مجموع مربعات پسماندها به حداقل برسد.

روش حداقل مربعات معمولی برای برآورد ضرایب نیاز به هیچ شرطی روی جمله اخلاص ندارد اما برای آنکه ضرایب برآورد شده ناریب (بدون تورش) باشند و استنتاج آماری روی آنها امکان پذیر باشد، برقرار بودن فروض کلاسیک الزامی است (قبل از آزمون فرضیه پژوهش، پیش آزمون‌هایی شامل آزمون نرمال بودن، آزمون عدم وجود خودهمبستگی، آزمون ناهمسانی واریانس، آزمون عدم وجود هم خطی بین متغیرها و آزمون مانایی متغیرها صورت می‌گیرد).

۵- برآورد پژوهش

نتایج برآورد معادله (۱) در جدول (۲) نمایش داده می‌شود.

در جدول ذیل، مدل (۱)، بدون کنترل منطقه‌ای و مذهبی تخمین زده می‌شود و سپس در مدل-های (۲) تا (۶) متغیرهای کنترلی افزوده می‌شود.

جدول شماره (۲) - نتایج برآورد اصلی

متغیرها	مدل (۱)	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)	مدل (۵)	مدل (۶)
HDI ۱۹۸۰	-۰.۹۱ (۰.۰۳۴)	-۰.۰۸۶ (۰.۰۳۵)	-۰.۰۷۸ (۰.۰۲۹)	-۰.۰۹۴ (۰.۰۳۴)	-۰.۳۲۱ (۰.۰۴۲)	-۰.۲۹۹ (۰.۰۳۱)
لگاریتم اعتماد اجتماعی	۰.۰۳۴ (۰.۰۱۴)	۰.۰۲۹ (۰.۰۱۸)	۰.۰۲۷ (۰.۰۲۱)	۰.۰۳۶ (۰.۰۲۲)	۰.۰۱۷ (۰.۰۱۸)	۰.۰۱۶ (۰.۰۲۱)
کمونیست		-۰.۰۴۲ (۰.۰۱۹)	-۰.۰۴۴ (۰.۰۲۶)	-۰.۰۳۰ (۰.۰۲۹)	-۰.۰۵۱ (۰.۰۳۱)	-۰.۰۵۶ (۰.۰۴۲)
دموکراسی			-۰.۰۰۸ (۰.۰۱۱)			
۱۰۰ / طول جغرافیایی				۰.۰۴۲ (۰.۰۳۱)		
متغیر مجازی منطقه ای	-	-	-	-	✓	✓
متغیر مجازی مذهبی	-	-	-	-	-	✓
R^2 تعدیل شده	۱۴.۶	۱۷.۲	۲۰.۳	۲۹.۴	۸۲.۲	۸۶.۹

مدل (۱)، ساده ترین حالت نمایش داده شده که تنها شامل سطح اولیه HDI و اعتماد اجتماعی می باشد. برآورد نشان می دهد که اعتماد به طور مثبت با رشد بلند مدت HDI ارتباط دارد و این ارتباط معنی دار است. در مدل (۲) متغیر مجازی (دامی) برای کشورهای کمونیستی اضافه شده، که به شدت معنادار بوده و با علامت منفی برآورد گردیده و موجب شده است که ضریب اعتماد اندکی کاهش یابد. هیچ یک از دو شاخص دموکراسی یا طول جغرافیایی بر برآورد اعتماد تاثیر چندانی نداشته، اگرچه هر دو می توانند به عنوان متغیر جانشین برای کیفیت دولت استفاده شوند. متغیرهای مجازی کنترل های منطقه ای و مذهبی، میزان تاثیر اعتماد را به طور معناداری کاهش می دهند.

با این حال، دلایلی وجود دارد - در بخش مبانی نظری توضیح داده شد - که تاثیر اعتماد با توجه به ویژگی های خاص کشورها ناهمگن است. در جدول (۳)، مجموعه ای از نتایج با توجه به ویژگی های خاص کشورها ارائه می گردد.

جدول شماره (۳) - نتایج برآورد مشروط

متغیرها	مدل (۱) غیر دموکراتیک	مدل (۲) دموکراتیک	مدل (۳) همه کشورها	مدل (۴) همه کشورها	مدل (۵) همه کشورها	مدل (۶) همه کشورها
HDI ۱۹۸۰	-۰.۳۲۳ (۰.۰۴۵)	-۰.۳۸۴ (۰.۰۲۸)	-۰.۰۸۲ (۰.۰۴۲)	-۰.۰۳۴ (۰.۰۴۹)	-۰.۱۰۳ (۰.۰۳۷)	-۰.۳۶۹ (۰.۰۴۸)
تکارتیم اجتماعی	۰.۰۲۶ (۰.۰۱۹)	۰.۰۰۳ (۰.۰۱۲)	۰.۰۵۱ (۰.۰۳۲)	۰.۰۲۴ (۰.۰۱۵)	۰.۰۶۵ (۰.۰۳۱)	۰.۰۴۲ (۰.۰۴۷)
کمونیست	-۰.۰۴۲ (۰.۰۲۴)		-۰.۰۴۶ (۰.۰۳۷)	-۰.۰۵۴ (۰.۰۳۸)	-۰.۰۳۷ (۰.۰۲۶)	-۰.۰۵۹ (۰.۰۳۴)
دموکراسی	-		۰.۰۱۱ (۰.۰۱۹)	۰.۰۱۳ (۰.۰۱۹)		
دموکراسی × اعتماد	-		-۰.۰۱۲ (۰.۰۱۴)	-۰.۰۱۰ (۰.۰۱۶)		
انتخابات آزاد	-		-		۰.۳۱۹ (۰.۲۱۳)	۰.۲۵۱ (۰.۰۷۳)
انتخابات × اعتماد	-		-		-۰.۰۸۹ (۰.۰۴۱)	-۰.۰۴۲ (۰.۰۳۹)
متغیر مجازی منطقه ای	✓	✓	-	✓	-	✓
R^2 تعدیل شده	۷۵.۶	۸۰.۲	۳۲.۹	۶۸.۶	۳۴.۱	۷۰.۷

ابتدا نمونه را با توجه به سطح دموکراسی به دو نوع نمونه دموکراتیک و غیر دموکراتیک تقسیم می‌گردد. کشورهایی که در این نمونه به عنوان کشورهای بسیار دموکراتیک در نظر گرفته شدند، به طور متوسط دارای GDP سرانه در حدود ۱۸۰۰۰ دلار در سال ۲۰۰۰ بوده و یا به طور میانگین سه برابر میانگین GDP سرانه نمونه‌های غیر دموکراتیک بوده‌اند. مدل (۱) برآوردهای نمونه غیر دموکراتیک را گزارش داده در حالی که مدل (۲) برآوردهای مربوط به نمونه دموکراتیک را گزارش می‌دهد. ما دریافتیم که اثر اعتماد در نمونه غیردموکراتیک بسیار معنی دار و در نمونه دموکراتیک تقریباً برابر صفر است. نوع یکسانی از ناهمگونی در مدل‌های (۳) تا (۶) مورد آزمون قرار می‌گیرد. مدل‌های (۳) و (۴) ارتباط خطی بین سطح دموکراسی و اعتماد اجتماعی را فراهم کرده که هم با وجود کنترل‌های منطقه‌ای و هم بدون وجود آن محاسبه گردیده است. مدل‌های (۵) و (۶) این برآورد را با شاخص دموکراسی جایگزین از چیبوب و همکاران تکرار می‌کنند. همانطور که مشاهده می‌گردد تاثیر اعتماد بر شاخص توسعه انسانی به توزیع دموکراسی بستگی دارد. بنابراین اندازه‌گیری توسعه با استفاده از HDI نشان می‌دهد که تأثیر اعتماد عمدتاً در رژیم‌های غیر دموکراتیک بیشتر می‌باشد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

این مقاله در پی پاسخ به سوال اصلی تحقیق، ارتباط بین اعتماد اجتماعی و شاخص توسعه انسانی انجام گشته است. ادبیات تجربی حاکی از تأثیر اعتماد اجتماعی بر ویژگی‌های اصلی شاخص توسعه انسانی، به ویژه ثروت، آموزش و سلامت است. جهت بررسی این ارتباط نمونه‌ای شامل ۵۶ کشور شامل کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، کشورهای عضو اوپک (OPEC) و اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (ASEAN) برای سال‌های ۱۹۸۰ الی ۲۰۱۶ انتخاب شده است. به دلیل اینکه تاثیر اعتماد با توجه به ویژگی‌های خاص کشورها ناهمگن است، جهت برآورد دقیق‌تر تعدادی از متغیرهای سیاسی، نوع حکومت، شرایط جغرافیایی به مدل افزوده گشته است که در بخش روش‌شناسی توضیح داده شده است.

برآورد تحقیق نشان می‌دهد که اعتماد به طور مثبت با رشد بلند مدت HDI ارتباط معنی‌دار دارد. پس می‌توان بیان داشت که زندگی انسان، بدون احساس اعتماد به خود، اعتماد به آینده و اعتماد به جهان پیرامون خود همراه با اضطراب و کشمکش، تحمل‌ناپذیر است که ممکن است

باعث از هم پاشیدگی فرد و نابودی وی شود. اعتماد، رشد انسان و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های او را تسهیل می‌کند و رابطه‌ی او با دیگران و جهان را به رابطه‌ای خلاق و شکوفا تبدیل می‌سازد تا فرد بتواند آرامش، امنیت و آزادی و استقلال را در کنار دیگران و با دیگران تجربه کند. اعتماد اجتماعی بر روی رشد شتابان اقتصادی، افزایش بازده و رونق اقتصادی، فراهم کردن سود عمومی، ایجاد همبستگی اجتماعی و همکاری، هماهنگی، رضایت از سطح زندگی، ثبات دموکراسی و توسعه و حتی تندرستی و افزایش امید به زندگی اثرگذار است.

همچنین نتایج دیگر تحقیق حاکی از این است که اثر اعتماد اجتماعی بر توسعه انسانی در کشورهای که دارای دموکراسی بالاتر می‌باشند ضعیف‌تر است. بنابراین نتایج این مطالعه با نتایج اهلرپ و همکاران^۱ (۲۰۰۹) در یک راستا قرار دارد. نتایج این مطالعه می‌تواند نقد کاپلان (۲۰۰۹) که HDI در کشورهای توسعه یافته اشتباه است را تایید نماید. کشورهای که در این نمونه به عنوان کشورهای بسیار دموکراتیک در نظر گرفته می‌شوند، به طور متوسط دارای GDP سرانه در حدود ۱۸۰۰۰ دلار در سال ۲۰۰۰ بوده یا به طور میانگین سه برابر میانگین نمونه‌های غیر دموکراتیک بوده‌اند. کاپلان (۲۰۰۹) بیان می‌کند، رشد سریع اعتماد اجتماعی در کشورهای دموکراتیک، HDI آن‌ها را به طور قابل توجهی بهبود نخواهد داد. به همین ترتیب، پیشرفت‌های بهداشتی کشورهای دموکراتیک احتمالاً به بسیاری از سایر نقاط جهان سرریز خواهد شد تا سایر کشورها بتوانند خود را در مرز امکانات بهداشتی قرار دهند. به همین دلیل باید تاکید کرد که این واقعیت که اعتماد هیچ اثری قابل ملاحظه‌ای در شاخص توسعه انسانی کشورهای دموکراتیک ندارد، دلیل بر بی‌تاثیری آن نیست، بلکه این نکته ناشی از نوع تعریف شاخص توسعه انسانی و ابعاد انتخاب شده در این شاخص است.

منابع

- ارسیا، بابک و ساعی، احمد و ازغندی، علیرضا (۱۳۹۸)، ارائه مدل اثرگذار هویت و اعتماد اجتماعی بر نگرش به توسعه سیاسی، **فصلنامه مطالعات ملی**، شماره ۷۸، صص ۱۱۱-۱۳۰.
- رزانی، محسن و مویدفر، رزیتا (۱۳۹۳)، سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی: بررسی مقایسه‌ای استان-های ایران، **فصلنامه پژوهشی فرآیند مدیریت و توسعه**، دوره ۲۱، شماره ۲ و ۶۹، صص ۷۹-۱۰۶.

- صادقی، حسین و عبداللہی حق، سولماز و عبدالله زاده، لیللا (۱۳۸۶)، توسعه انسانی در ایران، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال ششم، شماره ۲۴.
 - ظہیری، رضا و پوررضا کریم‌سرا، ناصر (۱۳۹۳)، بررسی اعتماد اجتماعی و رابطه بین ابعاد آن در بین جوانان تهرانی، **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان**، سال پنجم، شماره چهاردهم، ص ۱۲۲-۱۰۳.
 - مهرگان، نادر و دلیری، حسن (۱۳۹۴)، بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی در استان‌های ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۸)، **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی**، سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۳۶-۱۱۷.
 - هزار جریبی، جعفر و نجفی، محمد (۱۳۸۹)، اعتماد اجتماعی و توسعه گردشگری، **مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، سال دوم، شماره هفتم، صص ۷۰-۵۳.
 - فیروزآبادی، سید احمد و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی اجتماعی در کلان شهر تهران، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال ششم، شماره ۲۳.
- Ahlerup, P., Olsson, O., Yanagizawa, D., 2009. Social capital vs institutions in the growth process, **European Journal of Political Economy**, 25, 1-14.
 - Arrow, K., 1972. Gifts and exchanges. **Philosophy and Public Affairs**, 1, 343-367.
 - Berggren, N., Jordahl, H., 2006. **Free to trust? Economic freedom and social capital**. *Kyklos*, 59, 141-169.
 - Berggren, N., Elinder, M., Jordahl, H., 2008. Trust and growth: a shaky relationship. **Empirical Economics**, 35, 251-274.
 - Bjørnskov, C., 2003. **The happy few: cross-country evidence on social capital and life satisfaction**. *Kyklos*, 56, 3-16.
 - Bjørnskov, C., 2006. The multiple facets of social capital. **European Journal of Political Economy**, 22, 22-40.
 - Bjørnskov, C., 2007. Determinants of generalized trust: a cross-country comparison. **Public Choice**, 130, 1-21.
 - Bjørnskov, C., 2009. Social trust and the growth of schooling. **Economics of Education Review**, 28, 249-257.
 - Bjørnskov, C., Sønderkov, K.M., 2010. Is social capital a good concept? **Working Paper, Aarhus University**.
 - Boix, C., Posner, D.N., 1998. Social capital: explaining its origins and effects on government performance. **British Journal of Political Science**, 28, 686-695.
 - Caplan, B., May 22, 2009. Against the Human Development Index. **Blogpost at EconLog**, Available at http://econlog.econlib.org/archives/2009/05/against_the_hum.html (accessed May 2011).

- Cheibub, J.A., Gandhi, J., Vreeland, J.R., 2010. Democracy and dictatorship revisited. **Public Choice**, 143, 67–101.
- Christoforou, A., 2006. Social capital, economic growth and human development: an empirical investigation across European countries. In: Paper Presented at the **Annual Meeting of the Human Development and Capability Association**, Freedom and Justice, Available at http://www.hd-ca.org/pubs/61_Christoforou.pdf (accessed December
- Coleman, J.S., 1988. Social capital in the creation of human capital. **American Journal of Sociology**, 94, S95–S120.
- Coleman, J.S., 1990. **Foundations of Social Theory**. Harvard University Press, Cambridge, MA.
- Fischer, C.S., 2005. Bowling alone: what's the score? *Social Networks* 27, 155–167. Folland, S., 2008. An economic model of social capital and health. **Health Economics, Policy and Law**, 3, 333–348.
- Fukuyama, F., 1995. *Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity*. **Free Press Paperbacks**, New York.
- Fukuyama, F., 2001. **Social capital, civil society and development**. *Third World Quarterly* 22, 7–20.
- Gundlach, E., Paldam, M., 2009. Farewell primacy. The political system and the economy. **European Journal of Political Economy**, 25, 340–354.
- Jen, M.H., Sund, E.R., Johnston, R., Jones, K., 2010. Trustful societies, trustful individuals, and health: an analysis of self-rated health and social trust using the World Value Survey. **Health & Place**, 16, 1022–1029.
- Kaldaru, H., Parts, E., 2005. The effect of macro-level social capital on sustainable economic development. **Working Paper No. 42, University of Tartu**.
- Knack, S., 2002. Social capital and the quality of government: evidence from the U.S.states. **American Journal of Political Science**, 46, 772–785.
- Knack, S., Keefer, P., 1997. Does social capital have an economic payoff? A cross-country investigation. **Quarterly Journal of Economics**, 112, 1251–1288.
- La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., Vishny, R.W., 1997. Trust in large organizations. **American Economic Review**, 87, 333–338.
- Luhman, N., 1979. **Trust and Power**. John Wiley, New York.
- Marshall, M.G., Jaggers, K., 2010. **Polity IV Project: Political Regime Characteristics and Transitions, 1800–2008: Dataset and Codebook**, Available at <http://www.cidcm.umd.edu/polity> (accessed November 2010).
- Naef, M., Schupp, J., 2009. Measuring trust: experiments and surveys in contrast and combination. **SOEP Working Paper No. 167, DIW Berlin**.
- Newton, K., 1997. Social capital and democracy. **American Behavioural Scientist**, 40, 575–586.
- North, D.C., 1990. **Institutions, Institutional Change and Economic Performance**. Cambridge University Press, Cambridge UK.

- Paldam, M., Gundlach, E., 2008. **Two views on institutions and development: the grand transition vs the primacy of institutions.** *Kyklos*, 61, 65–100.
- Papagapitos, A., Riley, R., 2009. Social trust and human capital formation. *Economics Letters*, 102, 158–160.
- Putnam, R.D., 1993. **Making Democracy Work. Civic Traditions in Modern Italy.** Princeton University Press, Princeton, NJ.
- Putnam, R.D., 1995. Bowling alone: America's declining social capital. *Journal of Democracy*, 6, 65–78.
- Ram, R., 2010. Social capital and happiness: additional cross-country evidence. *Journal of Happiness Studies*, 11, 409–418.
- Sen, A., 1982. Choice, **Welfare and Measurement.** Basil Blackwell, Oxford.
- Solow, R.M., 1956. A contribution to the theory of economic growth. *Quarterly Journal of Economics*, 70, 65–94.
- Subramanian, S.V., Kim, D.J., Kawachi, I., 2002. Social trust and self-rated health in US communities: a multilevel analysis. *Journal of Urban Health*, 79, 21–34.
- Swan, T.W., 1956. Economic growth and capital accumulation. *Economic Record*, 32, 334–361.
- Uslaner, E.M., 2002. **The Moral Foundations of Trust.** Cambridge University Press, Cambridge, UK.
- Veenstra, G., 2000. Social capital, SES and health: an individual-level analysis. *Social Science and Medicine*, 50, 619–629.
- Whiteley, P., 2000. Economic growth and social capital. *Political Studies*, 48, 443–466.
- Wintrobe, R., 1998. **The Political Economy of Dictatorship.** New York, Cambridge University Press.
- Yamamura, E., 2010. The effect of social trust on achievement test performance of students in Japan. **MPRA Working Paper No. 26699.**
- Yamamura, E., 2011a. The role of social trust in reducing long-term truancy and forming human capital in Japan. *Economics of Education Review*, 30, 380–389.
- Yamamura, E., 2011b. **Different effects of social capital on health status among residents**
- Zak, P.J., Knack, S., 2001. Trust and growth. *The Economic Journal*, 111, 295–321.